



ترجمہ قرآن موزہ شاہچراغ^(ع)

(ترجمہ فارسی کہن)

مترجم
ناشناس

تصحیح
زہرا ریاحی زمین



-
- سرشناسه : قرآن. فارسی
 Qur'an. Persian
- عنوان و نام پدیدآور : ترجمه قرآن موزه شاهچراغ(ع) (ترجمه فارسی کهن) // تصحیح زهرا ریاحی زمین؛ ترجمه گزیده مقدمه به انگلیسی مصطفی امیری.
- مشخصات نشر : تهران: مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب، ۱۴۰۱.
- مشخصات ظاهری : یکصد و چهار، ۴۵۹، 7 ص.
- فروست : میراث مکتوب؛ ۳۷۵. زبان و ادبیات فارسی؛ ۸۵
- شابک : 978-600-203-256-0
- وضعیت فهرست نویسی : فیپا
- موضوع : قرآن - ترجمه ها.
 Qur'an-Versions
- موضوع : آستان حضرت شاهچراغ(ع). موزه
- شناسه افزوده : ریاحی زمین، زهرا، ۱۳۳۹ -، مصحح
- شناسه افزوده : امیری، مصطفی [مترجم]
- شناسه افزوده : مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب
- رده بندی کنگره : BP ۵۹/۶۶
- رده بندی دیویی : ۲۹۷/۱۴۱
- شماره کتابشناسی ملی : ۸۷۲۳۲۷۸
- اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیپا
-

ترجمہ قرآن موزونہ شاہجہان

(ترجمہ فارسی کہن)

مترجم
ناشناس

تصحیح

زہرا ریاحی زین



ترجمه قرآن موزه شاهچراغ (ع)

(ترجمه فارسی کهن)

مترجم: ناشناس

مقدمه و تصحیح: زهرا ریاحی زمین (دانشیار دانشگاه شیراز)

ناشر: میراث مکتوب

مدیر تولید: محمد باهر

مدیر فنی و امور چاپ: حسین شاملوفرد

ترجمه گزیده مقدمه به انگلیسی: مصطفی امیری

صفحه‌آرا: رضا سلگی

چاپ اول: ۱۴۰۱

شمارگان: ۳۰۰ نسخه

بها: ۲۱۵۰۰۰ تومان

شابکه: ۹۷۸-۶۰۰-۲۰۳-۲۵۶

چاپ (دیجیتال): میراث

شماره فروش:

همه حقوق متعلق به ناشر و محفوظ است
نشر الکترونیکی اثر بدون کسب اجازه کتبی از ناشر ممنوع است

نشانی ناشر: تهران، ش.پ. ۱۳۱۵۶۹۳۵۱۹

تلفن: ۶۶۴۹۰۶۱۲، دوزنگار: ۶۶۴۰۶۲۵۸

E-mail: tolid@MirasMaktoob.ir

<http://www.MirasMaktoob.ir>

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

دریابی از فرهنگ پرمایه اسلام و ایران در بخش‌های خطی موع می‌زند. این نسخه‌ها در حقیقت، کارنامه دانشمندان و نوابغ بزرگ و هویت‌نامه‌ها ایرانیان است. بر عهده هنرنمایی است که این میراث پراچ را پاس دارد و برای شناخت تاریخ و فرهنگ و ادب و سوابق علمی خود به احیاء و بازسازی آن اهتمام ورزد.

با همه کوششهایی که در سالهای اخیر برای شناسایی این ذخایر مکتوب و تحقیق و تبیین در آنها انجام گرفته و صد مکتب در ساله ارزشمند انتشار یافته هنوز کارنا کرده بسیار است و هزاران کتاب در ساله خطی موجود در کتابخانه‌های داخل و خارج کشور شناسانده و منتشر نشده است. بسیاری از متون نیز، اگرچه بارها طبع رسیده، منطبق بر روش علمی نیست و تحقیق و تصحیح مجدد نیاز دارد. احیاء و نشر کتاب‌ها در ساله‌های خطی و طیفه‌ای است بر دوش محققان و مؤسسات فرهنگی. مرکز پژوهشی میراث مکتوب در راستای این هدف در سال ۱۳۷۲ بنیاد نهاد شد تا با حمایت از کوشش‌های محققان و محققان، و با مشارکت ناشران، مؤسسات علمی، اشخاص فرهنگی و علاقه‌مندان به دانش و فرهنگ سحی در نشر میراث مکتوب داشته باشد و مجموعه‌ای ارزشمند از متون و منابع تحقیق به جامعه فرهنگی ایران اسلامی تقدیم دارد.

کتاب ایرانی

مدیر عامل مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب

تقدیم به:

کوثر مصطفی (ص)

فاطمه زهرا (س)

به یاد پدر عزیزم محمد ریاحی زمین

و برادر مهربانم مهدی ریاحی زمین



فهرست مطالب

پیشگفتار.....	سیزده
مقدمه مصحح.....	هفده
ویژگیهای صوری.....	هفده
مترجم، کاتب، تاریخ ترجمه و کتابت.....	نوزده
مذهب مترجم.....	بیست
خصوصیات رسم الخطی.....	بیست و هشت
خصوصیات دستوری.....	چهل
تفسیر و شرح.....	پنجاه و دو
ویژگیهای دیگر.....	پنجاه و هفت
عدم تطابقها.....	پنجاه و نه
به کار بردن لغات، ترکیبات و اصطلاحات نادر.....	شصت و هفت
ترجمه‌ها و تفاسیر مأخذ تصحیح.....	شصت و هشت
ترجمه خطی قرآن آستان قدس رضوی (ع).....	هفتاد
روش تصحیح.....	هفتاد و نه
افتادگیها.....	نود
سپاسگزاری.....	نود و چهار
ترجمه قرآن موزه شاهچراغ (ع).....	(۱ - ۳۶۲)
سوره البقره مائتان و ست و ثمانون آیه.....	۱
سوره آل عمران مائتان آیه.....	۲۱

- سورة النساء مائة و ست و سبعون آية ٤٧
- سورة المائدة مائة و عشرون آية و هي مدنية ٧١
- سورة الانعام مائة و خمس و ستون آية ٨٥
- سورة الاعراف مائتان و ست آية ٨٧
- سورة التوبة مائة و تسع و عشرون آية ٩٥
- سورة يونس مائة و تسع آيات ١٠٧
- سورة هود مائة و ثلاث و عشرون آية ١١٩
- سورة يوسف مكية و مائة و احدى عشر آية ١٢١
- سورة الرعد ثلث و اربعون آية ١٣٣
- سورة ابراهيم اثنتان و خمسون آية ١٤١
- سورة الحجر تسع و تسعون آية ١٤٩
- سورة النحل مائة و ثمان و عشرون آية ١٥٥
- سورة بنى اسرائيل مائة و احدى عشر آية ١٦٥
- سورة النور اربع و ستون آية ١٧١
- سورة الفرقان سبع و سبعون آية ١٧٣
- سورة الشعرا مائتان و سبع و عشرون آية ١٧٥
- سورة النمل ثلاث و تسعون آية ١٨٩
- سورة القصص ثمان و ثمانون آية ١٩٧
- سورة العنكبوت تسع و ستون آية ٢٠٧
- سورة لقمان اربع و ثلاثون آية ٢١٣
- سورة سجده مكية ثلاثون آية ٢١٧
- سورة الاحزاب ثلاث و سبعون آية ٢٢١
- سورة السبا مكية اربع و خمسون آية ٢٣١
- سورة فاطر مكية خمس و اربعون آية ٢٣٩
- سورة يس ثلاث و ثمانون آية ٢٤٥
- سورة صافات مكية مائة و اثنان و ثمانون آية ٢٥٣
- سورة المؤمن خمس و ثمانون آية ٢٦١
- سورة السجده (فصلت) اربع و خمسون آية ٢٦٣
- سورة عسق ثلث و خمسون آية ٢٦٩
- سورة الزخرف تسع و ثمانون آية ٢٧٧

٢٨٥	سورة الدخان مكيه تسع و خمسون آية
٢٨٩	سورة العنكبوت مكيه سبع و ثلثون آية
٢٩٥	سورة الاحقاف مكيه و هي خمس و ثلاثون آية
٣٠١	سورة محمد عليه السلام مدنية ثمان و ثلاثون آية
٣٠٧	سورة الفتح تسع و عشرون آية
٣١٣	سورة الحجرات مدنية ثمان عشر آية
٣١٧	سورة ق مكيه خمس و اربعون آية
٣٢١	سورة الذاريات ستون آية
٣٢٥	سورة الطور مكيه تسع و اربعون آية
٣٢٩	سورة النجم مكيه اثنتان و ستون آية
٣٣٣	سورة القمر مكيه خمس و خمسون آية
٣٣٧	سورة الرحمن مكيه ثمان و سبعون آية
٣٣٩	سورة المعارج اربع و اربعون آية
٣٤٣	سورة نوح مكيه ثمان و عشرون آية
٣٤٧	سورة الجن مكيه ثمان و عشرون آية
٣٥١	سورة المزمل مكيه و عشرون آية
٣٥٣	سورة المدثر مكيه ست و خمسون آية
٣٥٧	سورة القيامة مكيه اربعون آية
٣٦١	سورة الدهر احدي و ثلثون آية
٣٦٣	تعليقات
٤٢١	نمايه‌ها
٤٢٣	نمايه عام
٤٢٦	فهرست لغات، اصطلاحات و تركيبات
٤٥٥	کتابنامه

فهرست علایم اختصاری

- ب: تفسیر بصائر یمینی
ت: ترجمه و قصه‌های قرآن
تاج: تاج التراجم فی تفسیر القرآن للاعاجم
تج: ترجمان القرآن
ر: ترجمه قرآن نسخه مورخ ۵۵۶ هجری (نسخه ری)
رح: روح الجنان و رُوح الجنان (تفسیر ابوالفتوح رازی)
س: تفسیر سوراآبادی
ش: گزاره‌ای از بخشی از قرآن کریم (شنتقی)
ط: ترجمه موسوم به ترجمه تفسیر طبری
ع: تفسیری بر عشری از قرآن مجید
ف: فرهنگنامه قرآنی
ق: ترجمه قرآن خطی آستان قدس رضوی
ک: بخشی از تفسیری کهن
کش: تفسیر کشف الاسرار و عدة الابرار
کم: تفسیر قرآن مجید معروف به تفسیر کمبریج
ل: لسان التنزیل
م: قرآن شماره ۴ متنی پارسی از قرن چهارم هجری
مپ: ترجمه قرآن موزه پارس
ن: تفسیر نسفی

ر.ک: رجوع کنید

ص: صفحه

فهرست فرهنگها

آندراج

اقرب الموارد: اقرب

برهان قاطع: برهان

تاج المصادر: تاج

غیاث اللغات: غیاث

فرهنگ پهلوی

فرهنگ فارسی معین: معین

فرهنگ نظام: نظام

فرهنگ نفیسی (ناظم الاطباء): ناظم

فهرست القبای لغات و ترکیبات السامی فی الاسامی: السامی

لسان العرب

لغت فرس اسدی: فرس

لغتنامه دهخدا: لغتنامه

المصادر

منتهی الارب

المنجد

مهذب الاسماء

پیشگفتار

حمد بی حد و ثنای بی عدّ معبودی را که آفریدگار قرآن است و پروردگار انس و جان، نگهدارنده زمین است و برپای دارنده آسمان. خدایی که خلاق وجود است و «وجودش تا ابد فیاض جود است». جمله خلاق را بر آستان کبریا پیش سر به سجود است و او قبل و بعد کل ماهو موجود است. داداری که بالفظ «اقرء» بر تارک بنی آدم افسر مجد* و عزت* و علم* و حکمت* نشانده و شفاء* بصائر* را نور* مبین* تنزیل* افشاند و به مدد حبل* المتین* و عروة الوثقی* منادی* بشارت* و رحمت*، او را به صراط مستقیم* کشاند. کردگاری که کلام* مهیمن* را در کتاب* احسن الحدیث* با بیانی* عزیز* بر روح* مبارک* بشیر* وحی* حق* و نذیر* عدل* ربّ الهام کرد تا هادی* مکرم* و ذاکر* صداقت* باشد که ﴿ما علی الرسول الا البلاغ﴾^۱.

و درود و تحیت بر خاتم پیامبران و اسوه حسنه پیروان و روی مند و جیهان و رسول امی عربی فرقان.

و سلام و صلوات بر اهل بیت معظم و خاندان مکرم او که طاهر و مطهرند و علی و اعلی؛ من الآن الی قیام یوم الدین.

اما بعد؛ آنچه در پیش رو داریم بضاعت مزجاة شاگرد سبق خوان مکتب قرآن است

* - برگرفته از اسامی قرآن کریم.

که هنوز از دفتر الفبای اعوذ بالله سرمشق چگونه پناه بردن، از قرآنیان می‌گیرد؛ در آرزوی آنکه «طایران قدس» با پروبال عشق، او را به تماشای «حلقه سودای» روحانیان برند و مشام جانش تازه کنند. امید که از این نوآموز «قبول افتد» و «در نظر آید».

* * *

خورشید روشنی‌بخش و گرمی‌افزای اسلام در قرن هفتم میلادی در شبه جزیره عربستان، سرزمین تاریک و ظلمانی کفر و الحاد و ضلالت، طلوع کرد و تابیدن گرفت و با این برآمدن، بامدادی روشن و پر امید و حیاتی نو را نه تنها به ساکنین آن، که به کل بشریت نوید داد.

همراه با ظهور اسلام، قانونمندیها و اصول و احکام آن نیز در قالب قرآن مجید بر پیامبر (ص) نازل شد. این کتاب پر ارج که اساسنامه دین اسلام است، تمامی اصول و مبادی دین مبین را اعم از عقاید، احکام، اخلاق و قوانین عملی حیات در بر می‌گیرد. قرآن، تنها مجموعه‌ای از قوانین دینی و آداب و سنن اعتقادی نیست؛ بلکه کتاب زندگی و راهنمای سعادت و خوشبختی نسل بشر است.

قرآن کتاب هدایت است و شفا و رحمت و بشارت^۱. نور است^۲؛ که همه چیز را از ورای تاریکی، بروشنی، می‌نمایاند و حقیقت هرآنچه را که ناشناخته است می‌شناساند^۳؛ پس فرقان است و جداکننده حق از باطل^۴.

قرآن موعظه الهی^۵ و برهان روشنی‌بخش ربانی^۶ است که آورده‌های اصیل تمامی انبیاء را تصدیق می‌کند^۷. قرآن ذکر خداست بندگان مخلص و مؤمن و متقی^۸ را و تنزیل

۱. ﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمٌ﴾. (اسراء/۹)؛ ﴿هُدًى لِلنَّاسِ﴾ (بقره/۱۸۰)؛ ﴿هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ﴾ (بقره/۲)؛ ﴿هُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَى لِّلْمُسْلِمِينَ﴾ (نحل/۸۹)؛ ﴿هُدًى وَشَفَاءٌ﴾ (فصلت/۴۴)؛ ﴿يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَالْإِلَهِيِّ طَرِيقَ الْمُسْتَقِيمِ﴾ (احقاف/۳۰).

۲. ﴿هُدًى وَنُورٌ﴾ (نساء/۴۶)؛ ﴿نُورٌ وَكِتَابٌ﴾ (نساء/۱۶)؛ ﴿النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ﴾ (اعراف/۱۵۷).

۳. ﴿بَيِّنَاتٍ لِّلنَّاسِ﴾ (يوسف/۱۱۱)؛ ﴿بَيِّنَاتٍ لِّكُلِّ شَيْءٍ﴾ (يونس/۵۷)؛ ﴿فِيهِ تَفْصِيلُ كُلِّ شَيْءٍ﴾ (يوسف/۱۱۱).

۴. ﴿الْهُدَى وَالْفُرْقَانَ﴾ (بقره/۱۸۵).
۵. ﴿مَوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ﴾ (يونس/۵۷).

۶. ﴿قَدْ جَاءَكُمْ بَرهَانٌ مِّن رَّبِّكُمْ﴾ (نساء/۱۷۴).

۷. ﴿مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ﴾ (آل عمران/۳)؛ ﴿فَاطِرُ﴾ (۳).

۸. ﴿الذِّكْرَ الْحَكِيمِ﴾ (آل عمران/۵۸)؛ ﴿أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ﴾ (نحل/۴۴)؛ ﴿أَنَّهُ لَذِكْرٌ لِّكَ وَلِقَوْمِكَ﴾ (زخرف/۴۴)؛ ﴿لِتَذَكَّرَ لِّلْمُتَّقِينَ﴾ (حاقة/۴۸)؛ ﴿ذِكْرٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ﴾ (اعراف/۲).

است از جانب پروردگار پیامبر(ص)^۱ را، تا بدین وسیله سند نبوت و رسالت راستین او باشد.

قرآن عهد پروردگار با بندگانش^۲ و سند حقانیت دین اسلام^۳ است؛ بنابراین جا دارد که بیشتر شناخته شود. به همین منظور قرآن پژوهان و مترجمین بسیاری، به تحقیق در قرآن و ترجمه این کتاب شریف به زبانهای مختلف و از جمله فارسی اقدام کرده‌اند. آمار تقریبی این تحقیقات و ترجمه‌ها را می‌توان از کتابشناسیهای جهانی قرآن استخراج نمود. ترجمه‌های فارسی قرآن، که حاوی لغات و ترکیبات ناب و زیبای کهن فارسی است، گنجینه‌هایی گرانبها در ادبیات این مرز و بوم به شمار می‌آید. تلاش در جهت شناختن و شناساندن این میراث گرانسنگ و استفاده بهینه از آن برای اعتلای زبان و ادب فارسی، کاری با ارزش و خدمتی ارزنده به ادبیات و جامعه ادب‌دوستان و ادب‌پژوهان است و هدفی است که در کتاب حاضر دنبال می‌گردد. در این تحقیق برآنیم تا برای نخستین بار، با معرفی دقیق و همه‌جانبه یکی از این مرواریدهای پر قیمت بحر زخار ادب فارسی، متنی منقح و مصحح از آن به دست دهیم؛ آن گونه که زبان‌شناسان و سخن‌سنجان را به کار آید و در رساگردانیدن بیش از پیش زبان فارسی مؤثر افتد.

امید است که این اثر مورد استفاده همه قرآن‌پژوهان و قرآن‌دوستان و بویژه دانشجویان رشته‌های علوم قرآنی، زبان و ادبیات فارسی و زبان و ادبیات عربی واقع شود و همگان بتوانند از آن بهره‌مند گردند.

۱. ﴿تنزیل من رب العالمین﴾ (شعر/۱۹۱)؛ ﴿تنزیل من الرحمن الرحیم﴾ (فصلت/۱).

۲. قال الصادق(ع): القرآن عهدالله الی خلقه (کلینی. اصول کافی. ج ۴. ترجمه حاج سید هاشم رسولی. انتشارات علمیة اسلامی. ص ۴۱۲).

۳. فبعث الله محمداً(ص) بالحق لیخرج من عبادة الاوثان الی عبادة، و من طاعة الشیطان الی طاعته، بقرآن قد بینه و احکمه لیعلم العباد ربهم اذ جهلوه و ليقزوا به بعد اذ جحدوه، و لیشبوه بعد اذ انکروه (نهج البلاغه. الدكتور صبحی صالح. دارالهجرة. قم. ایران. خطبه ۱۴۷).

مقدمه مصحح

ترجمه‌های کهن قرآن به زبان فارسی یکی از دستاوردهای بسیار ارزشمند ادبی این سرزمین است. قداست خاص قرآن و اعجاز ادبی آن، مترجمین را بر آن داشته تا در ارائه صحیح‌ترین و زیباترین معادل‌های فارسی برای لغات قرآنی، نهایت همت و دقت خویش به کار گیرند. همین امر موجب اشتغال این متون نثر بر واژه‌ها و ترکیبات نادر و منحصر به فرد فارسی شده و آنها را در شمار مهمترین منابع اصیل تحقیق در آورده است. از جمله این ترجمه‌های با ارزش، ترجمه موجود در موزه حضرت شاهچراغ (ع) است. در این مقدمه به تفصیل به بررسی خصوصیات این نسخه پرداخته شده است.

ویژگیهای صوری

ترجمه مذکور در دو مجلد صحافی شده و در دفتر نسخه‌های خطی موزه با شماره‌های ۲۹۷ و ۲۹۸ و در فهرست کتب خطی کتابخانه آستان احمدی باردیفهای ۱ و ۲ و شماره‌های ثبتی ۱۷۱۵ و ۱۷۱۶ معرفی گردیده است.^۱ این دو جلد بنابر قول معروف در اقدامات عمرانی که به منظور گسترش فضای حرم احمدی و محمدی علیهماالسلام انجام شده از درون طره‌های بالای ایوان حضرت شاهچراغ (ع) به دست آمده است و بخش اعظمی از ترجمه‌ای کهن از قرآن مجید را شامل می‌شود. (حدود ۲۳ جزء) مجلد

۱. بهروزی. علی‌نقی. فهرست کتب خطی کتابخانه آستان حضرت احمد بن موسی شاهچراغ (ع). ج ۱. چاپخانه مصطفوی شیراز. ۱۳۶۰. صص ۱-۲.

اول با آیه ۱۵۳ سوره بقره: «استعینوا بالصبر و الصلوة ان الله مع الصابرين» آغاز می شود و با آیه ۵۶ سوره اسراء: «فلا یملكون كشف الضر عنكم و لاتحویلا» به پایان می رسد. مجلد دوم با آیه ۳۰ سوره نور: «ذلك ازکی لهم ان الله خبیر بما یصنعون» آغاز می شود و با آیه ۲۰ سوره دهر (انسان): «و اذا رأیت ثم رأیت نعیماً و ملکاً کبیراً» به پایان می رسد. اندازه اوراق ترجمه شاهچراغ $۳۸/۵ \times ۵۱$ و اندازه نوشته ها $۲۵ \times ۳۸/۵$ و تعداد سطور هر صفحه ۲۲ سطر (۱۱ سطر متن و ۱۱ سطر ترجمه) است. اوراق نخودی رنگ این دو مجلد روی هم ۳۴۰ برگ است.

در این دو مجلد، متن قرآن با نوعی خط محقق آمیخته با نسخ ناپخته و شکل نگرفته و ترجمه آن به خط نسخ آمیخته با نستعلیق نگارش یافته است. مرکب آیات سیاه رنگ و مرکب ترجمه سرخ رنگ است. دو صفحه اول هر جزوی متن و حاشیه، به تمامی تذهیب و ترصیع شده است و ترجمه ندارد. این دو جزء روی هم ۱۵ صفحه مذهب دارد. در تذهیب و ترصیع کتاب، نشانه هایی از هنر قرن هفتم (عهد سلجوقی) تا اوایل قرن دهم ایران دیده می شود. در زمینه صفحات مذهب، گل و بوته شبیه تشعیر نیز نقش گردیده است.^۱

آغاز سوره ها، کلمه «الله»، آیه «بسم الله الرحمن الرحیم» و دایره بین آیه ها در تمام قرآن مذهب است. دور همه صفحات دو خط سرخ و یک خط آبی، به صورت خط بسته رسم شده است. رنگ آمیزی و نقش و نگارهای اطراف صفحات و تذهیب و ترصیعا بیشتر شبیه گلیمهای عشایری مرزهای شرقی و جنوبی ایران است.

قسمتی از برخی اوراق به دلیل قدمت و پوسیدگی از بین رفته است و برخی نیز، پس از کشف نسخه، به علت وصالی نادرست، سیاه و کدر و غیر قابل خواندن شده است؛ اما تعداد بسیار زیادی از اوراق کاملاً سالم و خوانا است. هنگامی که مرحوم محمد هادی سلاحی مسؤولیت کتابخانه احمد بن موسی (ع) را به عهده داشته اند، این نسخه، کشف، صحافی و شماره گذاری شده و اوراق آسیب دیده و وصالی گردیده است.

۱. درباره نوع خط و تذهیب این نسخه، استاد محمد نعمتی این جانب را مرهون راهنمایی های خود کردند که از ایشان بسیار سپاسگزارم.

در شماره‌گذاری صفحات اشکالاتی وجود دارد؛ گاه دیده می‌شود که دو صفحه با شماره متوالی، از نظر متن قرآن چندین آیه یا سوره با هم فاصله دارد و بین این دو صفحه افتادگی‌هایی بوده که هنگام شماره‌گذاری صفحات در نظر گرفته نشده است. از طرف دیگر همین شماره‌های الحاقی نیز افتادگی دارد و برخی جاها چند شماره و صفحه مفقود شده است. با توجه به این قرینه و وجود چند برگ کاغذ روغنی پی در پی در کنار هم، که بین تک‌تک اوراق کتاب برای حفظ و نگهداری برگها و عدم تماس آنها با هم، تعبیه شده است، می‌توان نتیجه گرفت که پس از وصال کتاب، اوراق با شماره‌هایی که اکنون مفقود شده‌اند از بین صفحات کنده و جدا شده است.

در حاشیه آغاز هر سوره توضیحاتی در خصوص فضیلت آن سوره به خط کاتب ترجمه و با مرکب سیاه‌رنگ دیده می‌شود. متأسفانه برخی از این توضیحات به علت پوسیدگی کاغذ از بین رفته است. همچنین گاهی در حاشیه بعضی آیات، مطالبی از قبیل بیان اسباب النزول آیه، قرائات مختلف یا نکات تفسیری با همان خط و رنگ ثبت شده است.

مترجم، کاتب، تاریخ ترجمه و کتابت

به دلیل آنکه ابتدا و انتهای کتاب افتاده مترجم، کاتب، تاریخ ترجمه و تاریخ کتابت معلوم نیست. تاریخ کتابت متن و ترجمه از روی قرائن خطی به حدود قرن هفتم تا نهم بر می‌گردد. البته ترجمه قرآن، که فارسی ماوراءالنهری است،^۱ یقیناً، از روی ترجمه‌ای کهن‌تر که احتمالاً متعلق به قرن پنجم هجری بوده نوشته شده است. این حدس را نظر دکتر یاحقی نیز که در فرهنگنامه قرآنی ارائه شده است، تأیید می‌کند. ایشان در معرفی نسخه‌های مترجم خطی قرآن که اساس کار فرهنگنامه قرآنی قرار گرفته است، به ترجمه‌ای اشاره می‌کنند که به شماره ۹۹۹ (ردیف ۳ جدول معرفی اجمالی قرآنها خطی

۱. ضمن گفتگوی حضوری با آقایان دکتر علی رواقی و دکتر محمدجعفر یاحقی، ایشان نیز بر این نکته تأکید داشتند که ترجمه حاضر بی‌شک مربوط به حوزه ماوراءالنهر است.

فرهنگنامه قرآنی) در کتابخانه آستان قدس رضوی ثبت شده است. ترجمه قرآن اخیر، که بسیار شبیه به ترجمه موزه شاهچراغ است و پس از این معرفی خواهد شد، ظاهراً متعلق به قرن پنجم و ترجمه فارسی ماوراءالنهری است.^۱ مصحح از این ترجمه در تصحیح ترجمه قرآن شاهچراغ بیشترین بهره را گرفت.

همچنین توضیحاتی نیز که در حاشیه آغاز برخی سوره‌ها و آیات قرآن مترجم شاهچراغ (ع) در شأن نزول، تفسیر یا اختلاف قرائات آمده، اگرچه تعدادشان بسیار اندک است اما اسلوب نوشتن و سبک آنها، تاریخ تخمینی ترجمه را تأیید می‌کند.

مذهب مترجم

با استفاده از قرائن بسیار معدودی که در ترجمه وجود دارد، شاید بتوان گفت مترجم اصلی این ترجمه مذهب اهل تسنن و جماعت داشته است. این شواهد در سوره مائده و نساء دیده می‌شود.

در سوره مائده در آیه وضو می‌خوانیم:

«يا ايها الذين امنوا اذا قمتم الى الصلوة فاغسلوا وجوهكم و ايديكم الى المرافق و امسحوا برؤسكم و ارجلكم الى الكعبين: ای آنانکه گرویدگان [اید] چون برخیزید زی نماز کردن پس بشوید روی هاء خود و دستهای خود را تا آرنجها [و] بکشید بر سرهای خود و بشوید پایها خود را زی شتالنگ» مائده / ۶

قسمت اخیر که ترجمه «وامسحوا برؤسکم و ارجلکم الى الكعبين» است با اعتقاد اهل تسنن در کیفیت وضو سازگاری دارد. فعل امر «امسحوا» در مورد «رؤسکم» و «ارجلکم» هر دو به کار رفته؛ در حالی که در ترجمه برای «رؤسکم» فعل امر «بکشید» یعنی «مسح» و برای «ارجلکم» فعل امر «بشوید» معادل «اغسلوا و جوهکم: بشوید روی هاء خود» که مطابق با آیین وضو در میان اهل تسنن می‌باشد، آمده است. لازم به ذکر

۱. دکتر یاحقی. محمدجعفر. فرهنگنامه قرآنی. ج ۱. بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی. چاپ اول. تیرماه ۱۳۷۲. صص سی و چهار - سی و پنج (مقدمه).

است که در متن این قرآن، «ارجل» منصوب و مطابق روایت حفص از عاصم است و از این نظر با قرائتهای حمزه، ابن کثیر، ابو عمرو و روایت شعبه از عاصم متفاوت است.^۱ در قرائت این افراد، «ارجل» مجرور است.

دیگر شاهد در سوره نساء و آیه ولایت است:

«يا ايها الذين آمنوا اطيعوا الله و اطيعوا الرسول و اولى الامر منكم: ای آنانیک گرویدگان [اید] فرمان برداری کنید خدایرا و فرمان برداری کنید رسول او را و علما و خلفا [از شما] فرمان برداری کنید.» نساء / ۵۹

به اعتقاد اهل تشیع «اولی الامر» مقام «ولایت و امامت» است و اطاعت از دوازده امام همام مذهب شیعه، تالی اطاعت خدا و رسول (ص) می باشد که در آیه بدان سفارش شده است؛ اما همانگونه که شاهدیم در این ترجمه لفظ «اولی الامر» به «علما و خلفا» ترجمه گردیده است و این، مطابق با اعتقاد مذهب تسنن و اهل سنت و جماعت می باشد.

بر اساس شواهدی، کتابت متن قرآن، ترجمه، اعراب و حرکت گذاری همزمان صورت نگرفته است. شواهد مذکور چنین است:

۱- تفاوت رنگ مرکب سیاه به کار رفته در متن عربی و اعراب، دلیل آن است که نوشتن متن و اعراب با هم نبوده است. مرکب متن پررنگ و مرکب حرکات و اعراب کمی کم رنگ تر است.

۲- در برخی موارد از جمله آیه ۹۸ سوره یونس، افتادگی متن و ترجمه هردو (ضمیر «هُم» از متن عربی و معنای آن از ترجمه) با قلم و مرکب اعراب اصلاح و تکمیل شده است. این نیز دلیلی دیگر برای مورد قبل است.

۳- گاهی ترجمه دقیقاً زیر کلمه نیامده و از شیوه معمول در این اثر، تخطی شده

۱. پور فرزب (مولایی)، ابراهیم. تهذیب القراءه. انتشارات کعبه. تهران. چاپ اول. بهمن ماه ۱۳۶۸. صص ۱۹۷-۱۹۸.

است. علت این امر سیاهی و پوسیدگی کاغذ و عدم امکان نوشتن ترجمه در جای مناسب می‌باشد. نمونه این مطلب را در آیه ۲۳ سوره شعراء می‌بینیم؛ در این آیه ترجمه «وَمَا» که در ابتدای سطر است به دلیل پوسیدگی و سیاهی کاغذ زیر کلمه «رب» نوشته شده است.

این مورد و موارد دیگر شبیه به آن نیز می‌تواند گواه عدم همزمانی کتابت متن و ترجمه باشد.

۴ - در بسیاری جاها خطهای سیاه‌رنگ اعراب، روی خطوط سرخ ترجمه کشیده شده است. این موضوع به علت اختلاف شدید و آشکار رنگ‌ها، به راحتی قابل رؤیت و تشخیص است و گواه تفاوت زمان کتابت ترجمه و اعراب و حرکت‌گذاری می‌باشد. به احتمال قریب به یقین مترجم و کاتب این کتاب یک نفر نبوده است.

قرائنی وجود دارد که گواه این موضوع است. اهم این قرائن و شواهد عبارتند از:
* اشتباهات آشکاری که کاتب هنگام نوشتن ترجمه مرتکب شده است. در اینجا به چند مورد از آنها اشاره می‌شود:

الف - مواردی که کاتب به دلیل ناآشنایی و کم‌سوادی و عدم دقت و اشتباه در خواندن حروف و کلمات، در نوشتن آنها دچار غلط‌نویسی شده است:

۱ - «رنجها» به جای «زنخها»: «انا جعلنا فی اعناقهم اغلالا فهی الی الاذقان فهم مقمحون... پس آن غلها تارنجها بسته باشد...» یس / ۸

۲ - «خردند» به جای «خرامنده»: «ان الله لایحب کل مختال فخور: هر آینه خدای نه دوست دارد هر خردند نازانرا.» لقمان / ۱۸

۳ - «آن بنده» به جای «آینده»: «فان اجل الله لات: پس هر آینه فرمان داده خدای آن بنده است.» عنکبوت / ۵

۴ - «من» به جای «مس»: «و ارسلنا له عین القطر: و روان کردیم مر او را چشمه من را.» سبأ / ۱۲

۵ - «جزکی» به جای «خبرکن»: «نَبِّیء عبادى اُنِّى انا الغفور الرحیم: جزکی بندگان مرا کی من آمرزنده‌ام و مهربان.» حجر / ۴۹

۶- «فرمان» و «قرآن» به جای «قربان»: «... فان احصرتم فما استيسر من الهدى و لاتلحقوا رؤسكم حتى يبلغ الهدى مجله... بر شماست آنچه آسانست از فرمان و مسترید سرهء خود را تا برسد قرآن بجای واجب شدن خود.» بقره / ۱۹۶

۷- «یاران» به جای «بیماران» و «بروز» به جای «بروند»: «علم ان سیکون منکم مرضی و اخرون یضربون فی الارض... : دانست کی زود بود کی از شما یاران [بوند] و دیگران بروز به تجارت در زمین...» مزمل / ۲۰

۸- «زنان داده» به جای «زمان ده»: «و مهلهم قلیلاً: و زنان داده ایشانرا اندک.» مزمل / ۱۱

۹- بیشتر موارد «زی» به معنی «به، به سوی» به صورت «ذی» نوشته شده است. همانگونه که مشاهده می شود برخی از این کلمات به قدری آسان و متداول است که جای هیچ گونه اشتباهی باقی نمی گذارد؛ اما کاتب کم سواد این ساده ترین کلمات و صدها کلمه دیگر را به غلط کتابت نموده است.

ب- مواردی که به لحاظ شباهت جملات و عبارات قرآن و تکرار نسبی ترجمه، کاتب به اشتباه افتاده و ترجمه قسمتی از آیه را به جای قسمت مشابه آن آورده است. در چنین حالتی به دو صورت عمل شده است:

- کاتب بدون اصلاح اشتباه با بی توجهی از آن رد شده؛ مانند نمونه های زیر:

۱- «ءانذرتم ام لم تنذرهم لایؤمنون: یا بیم نکردی ایشان یا بیم نکردی ایشان نه نگرند» یس / ۱۰

۲- «و رسلا قد قصصناهم علیک من قبل و رسلا لم نقصصهم علیک و کلم الله موسی تکلیما: و پیغامبرانی قصه بدرستی قصه ایشان بگفتیم بر تو و سخن گفت پیش از این و پیغامبرانی کی قصه نگفتیم بر تو و سخن گفت خدای با موسی سخن گفتنی.» نساء / ۱۶۴

۳- «و قالوا امانا به و انی لهم التناوش من مکان بعید * و قد کفروا به من قبل...: و بدرستی کفر آوردید بوی و چگونه بود مر ایشانرا گرفتن ایمان و توبه از جای دور * و بدرستی کفر آوردند بوی از پیش.» سبأ / ۵۲-۵۳

- کاتب ترجمه اشتباه را در محل ترجمه خط زده (با همان قلم و مرکب ترجمه) و در ذیل یا کنار یا بالای قسمت خط خورده معنای صحیح را دوباره آورده است؛ مانند این موارد:

۱ - «یخافا ان لایقیما حدود الله فان خفتم ان لایقیما حدود الله فلا جناح علیهما...: بدانند کی مگر نتوانند داشت حدهاء خدایرا پس [نیست بزه بر ایشان] اگر بدانید که بیای نتوانند داشت حدهاء خدایرا پس نیست بزه بر ایشان...» بقره / ۲۲۹
قسمت درون قلاب نوشته شده و سپس خط خورده است.

۲ - «فسیقولون من یعدنا قل الذی فطرکم اول مرة فسینغضون الیک رؤسهم: پس زود بود [بجنبانند] کی گویند... باز گرداند [ما را] بگوی آنک آفرید شما را نخستین بار پس زود بود کی بجنبانند زی تو سرهء خود را.» اسراء / ۵۱
فعل درون قلاب در متن خط خورده است.

۳ - «افما نحن بمیتین * الاموتنا الاولى و ما نحن بمعذبین: او پس نیستیم ما [شکنجه کردگان] میرندگان * مگر مردن پیشین ما او پس نیستیم ما شکنجه کردگان.» صافات / ۵۸ و ۵۹

درون قلاب که متعلق به آیه دوم است خط خورده و بالای آن کلمه صحیح نوشته شده است.

ج - گاهی نیز این اشتباهات بدون وجود شباهت و قرینه در آیه، رخ داده است که باز هم به دو صورت عمل شده:

- کاتب متوجه اشتباه نشده است؛ مانند:

۱ - «فذوقوا العذاب بما کتتم تکفرون * فاصبر کما صبروا اولی العزم من الرسل و لاتستعجل لهم کأنهم یوم یرون ما یوعدون...: پس بچشیت شکنجه را بآنچ می گوئی کی ایشان پس آن روز کی... چنانک شکیبائی کردند خداوند جد و صبر از پیغامبران و نه شتاب خواه مر ایشانرا گوئی کی ایشان آن روز کی بیند آنچ نوید داده شوند.»

۲- «لا يستطيعون نصرهم و هم لهم جند محضرون: نه حاضر آوردگان بودند یاری دادنشان و ایشان مر ایشانرا سپاهی حاضر آوردگان بودند.» یس / ۷۵
-کاتب به اشتباه خود پی برده و آن را اصلاح کرده است؛ مانند:

۱- «فلا تعلم نفس ما اخفى لهم من قره اعين...: پس نه داند هیچ تنی آنچه پوشیده کرده شود مر ایشانرا از [چشمه‌ها] از روشنائی چشمه‌ها.» سجده / ۱۷

کلمه درون قلاب خط خورده و عبارت «از روشنائی» بالای آن نوشته شده است.

۲- «ام يقولون نحن جميع منتصر * سيهزم الجمع و يولون الذُّبُر: یا می‌گویند ما همه گروهی دادستاندگانیم * [زود شکسته شوند] زود شکسته شوند این گروه [و] بدهند پشت.» قمر / ۴۴ - ۴۵

قسمت درون قلاب یک بار زیر کلمه «منتصر» نوشته شده، بعد پاک شده و در جای صحیح آمده است.

* از دیگر قرائنی که ثابت می‌کند که مترجم و کاتب این قرآن چند نفر می‌باشند، یکپارچه نبودن ترجمه هم از لحاظ کاربرد لغات و اصطلاحات و هم از نظر رسم الخط است. از ابتدای مجلد اول این قرآن تا پایان این جلد، شناسه فعلی «ید» (دوم شخص جمع) بیشتر به همین صورت به کار رفته است. در حالی که در مجلد دوم، از آغاز تا سوره «معارج» این ویژگی متفاوت می‌شود؛ یعنی «ید» به صورت «یت» نوشته می‌گردد و از سوره «معارج» به بعد دوباره همان شیوه نخستین به کار می‌رود. در ترجمه حروف نیز همین اختلاف به چشم می‌خورد. حرف «ان» در مجلد اول اغلب به صورت «کی»، در مجلد دوم تا سوره معارج «هرآینه» و پس از آن «حقاً که» ترجمه شده است. حرف «ف» و «و» عطف در مجلد اول کمتر ترجمه شده است؛ در حالی که در مجلد دوم تا سوره «معارج» بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. حروف تأکید در مجلد دوم، در بسیاری موارد با دقت بیشتری در ترجمه آمده است و این در حالی است که در مجلد اول کمتر به چنین موردی بر می‌خوریم. موصول «الذین» در مجلد اول بیشتر به صورت «آنانیک» یا «آنکسانیک» و در مجلد دوم به شکل «آنانک» دیده می‌شود. اسما اشاره «ذلک» و

«ذلکم» اغلب در مجلد دوم به «آنت» و «آنتان» ترجمه شده است. این موارد و مواردی نظیر آن، علاوه بر آنکه حکایت از دوگانگی کاتب و مترجم می‌کند، گویای یک حقیقت مهم دیگر نیز هست و آن تعدد منابع ترجمه می‌باشد. کاربرد پرتکرار برخی کلمات و ترکیبات در یکی از مجلدات این ترجمه، گواه دیگری بر این مدعاست. به عنوان مثال ترکیباتی چون جزکی، درست سخن، دروغ‌زن فقط در مجلد اول و ترکیباتی چون بزرگ‌بخشایش، جای‌باش، صواب‌کار فقط در مجلد دوم دیده می‌شود. با توجه به این شواهد، باید گفت منبع اصلی این نسخه، دو یا حتی سه ترجمه دیگر بوده که از نظر سبکی و لغوی تا حدودی با هم اختلاف داشته‌اند.

نکته جالب توجهی که بیش از پیش در مورد اشتباه کاتب به چشم می‌خورد و به احتمال زیاد دلیل عدم مهارت او در امر کتابت است، صورتهای بسیار عجیب و شگفت‌انگیزی است که در نوشتن بعضی کلمات به کار می‌برد. مواردی که بسیار نادر و غیر تکراری است و نمی‌توان آن را به ویژگیهای رسم‌الخطی کتاب نسبت داد.

جملات زیر نمونه‌ای از آنهاست:

۱- «آنانی نیک» به جای «آنانیک»: «یستأذنک الذین لایؤمنون بالله: دستوری خواهند از تو آنانی نیک نگروند بخدای.» توبه / ۴۵

۲- «امی د» به جای «امید»: «ان الذین لایرجون لقائنا...: کی آنانی کی امی د میدارند دیدار ما را...» یونس / ۷

۳- «بگنان هان» به جای «بگناهان»: «و اخرور اعترفوا بذنوبهم: و دیگران خستند [گشتند] بگنان هان خود.» توبه / ۱۰۲

۴- «بی نید» به جای «بینید»: «فان انستم منهم رشدا...: پس اگر بی نید از ایشان نیکی...» نساء / ۶

نکته جالب توجه دیگر، ترجمه‌های بسیار نادر و سراپا اشتباهی است که در برخی حروف صورت گرفته است و به نظر می‌رسد بیش از آنکه نتیجه بی‌دقتی مترجم باشد، بر اثر دخل و تصرفها و افزوده‌های نابجای شارح، کاتب یا کاتبین اثر رخ داده است. دلیل این مدعا آن است که مترجمین به علت تقدس قرآن، سعی در ارائه صحیح‌ترین و

دقیق‌ترین ترجمه داشته‌اند. از طرفی مترجم قرآن برای احراز این مقام نیاز به آگاهی و مهارت در علوم مختلف صرف، نحو، لغت، تفسیر، بیان، بدیع، معانی، ... داشته است؛ بنابراین، ترجمه قرآن کار هرکسی نبوده و هر فردی بدان اقدام نمی‌کرده است تا مرتکب چنین اشتباهات نگردد.

اگرچه گاهی نیز اشتباه از سوی خود مترجم صورت می‌گرفته اما احتمال آن بسیار اندک است. مواردی از این اغلاط چنین است:

۱- «تتجافی جنوبهم عن المضاجع: دور شود در پهلوها، ایشان از بسترها»

سجده ۱۶/

«در» به عنوان ترجمه «فی» در «تتجافی» و زیر همین دو حرف آمده است که زاید و

اشتباه است.

۲- «ولا تکرهوا فتیاتکم: و مه بستم داریت پس کنیزکان تانرا.» نور ۳۳/

«پس» در ترجمه حرف «ف» در کلمه «فتیاتکم» آمده است و ترجمه‌ای زاید و اشتباه

است.

اینها مواردی بسیار معدود از اشتباهات فراوان و متعدد کاتب است که موجب شده

ترجمه با همه ارزش ادبی، بیش از حد معمول، مغلوط از کار در آید.

طبق استنباط مصحح، ترجمه قرآن شاهچراغ توسط یک نفر املاء شده و به وسیله کاتبی

به کتابت در آمده است. به همین دلیل اشتباهاتی در ترجمه صورت گرفته است.

اشتباهاتی که می‌توانسته بر اثر بد شنیدن کاتب به وقوع پیوسته باشد. به عنوان

شاهد، تنها به یک نمونه اشاره می‌شود:

«من قراء سورة يوسف عليه السلام تقول الله حسناته و استجاب دعاوه...» سورة

یوسف

«تقول الله» بی شک صورت اشتباه «تقبّل الله» است. این اشتباه در نوشتن می‌تواند ما

را به این فرضیه هدایت کند که کسی متن ترجمه را بر دیگری املاء می‌کرده و او

می‌نوشته است. حتی غلطهای کتابتی و رسم الخطهای عجیب نیز که بدان اشاره شد

می‌تواند بر اثر سرعت نوشتن بدین شیوه، صورت گرفته باشد.

خصوصیات رسم الخطی

رسم الخطی که در این ترجمه رعایت شده و تا حدود زیادی با دیگر متون نثر قرآنی مشترک است، به قرار زیر می‌باشد:

* همزه: همزه در این ترجمه کاربردهای متفاوتی دارد؛ در برخی جاها حذف می‌شود و در پاره‌ای موارد در نوشتن حفظ می‌گردد:

الف - همزه در چند جا به صورت قطع (ء) دیده می‌شود:

۱. هنگامی که کلمه مختوم به مصوت بلند «ا» (در جمع با «ها») به کلمه‌ای دیگر اضافه شود همزه نشانه کسره اضافه در پایان مضاف باقی می‌ماند:

«می‌گویند بدهنهاء خود آنچه نیست در دلهاء ایشان.» آل عمران / ۱۶۷

«دروغ زن داشتند علامتهاء ما را و بر تنهاء خود بودند ستم کنندگان.» اعراف / ۱۷۷
- گاهی همین همزه حذف می‌شود:

«و مر خدایراست لشکرها آسمانها و زمین.» فتح / ۴

«نزدیک خدايست غنیمتها بسیار.» نساء / ۹۴

۲ - همزه پایان کلمه مختوم به مصوت بلند ا (در جمع با «ها») در غیر حالت اضافه، گاهی به صورت قطع (ء) باقی می‌ماند:

«بیافرید درو کوهها و جویهء و از همه میوها بگرد.» رعد / ۳

«و مردمان بیرون آیند از گورهاء.» ابراهیم / ۴۸

- گاهی در همین حالت، همزه حذف می‌شود:

«بدادی فرعون را و قوم او را آرایشی و خواستها اندر زندگانی این جهان.» یونس / ۸۸

«پس بیرون آرد بدو از میوها روزی.» ابراهیم / ۳۲

۳ - حرف میانجی یاء، نشانه کسره اضافه، در پایان کلمه مختوم به هاء بیان حرکت به صورت همزه قطع (ء) دیده می‌شود:

«چون رنجانیده شود در خدای کند آزمودن مردمانرا همچو شکنجه خدای.»

«و ماه را اندازه کردیم... تا [شود] همچو شاخ خوشه خرما کهنه و دیرینه.» یس / ۳۹
۴- شناسه فعلی «ای»، یاء وحده و نکره... در پایان کلمه مختوم به هاء بیان حرکت به صورت همزه قطع (ء) دیده می شود:

«بیرون شو از بهشت کی تو رانده.» حجر / ۳۴

«نه نگذارد بر پشت زمین هیچ جنبنده.» نحل / ۶۱

«پس مجوئید بر ایشان راهی و بهانه.» نساء / ۳۴

ب - در بعضی موارد در کتابت، به جای همزه نشانه کسره اضافه که نماینده یاء میانجی است، خود یاء میانجی به کار می رود و آن در کلمه مختوم به مصوت بلند «ا» است. (هرگاه این کلمه با کلمه ای دیگر به صورت مضاف و مضاف الیه بیاید):

«رد کنند شما رازی دانای نهران و آشکارا.» توبه / ۱۰۵

«پس چون رود ترس آزارندتان بزبانهای تیز زفتان بر نیکوئی.» احزاب / ۱۹

- گاهی این یاء میانجی و «ء» نشانه آن، از پایان کلمه مضاف مختوم به هاء بیان حرکت حذف می شود:

«بگوی میراند شما را فریشته مرگ.» سجده / ۱۱

«افکنده شد سوی من نامه گرامی.» نمل / ۲۹

* آ: مدّ «آ» یا بنا به قولی الف ممدوده، در ابتدا و وسط کلمه گاهی اوقات باقی می ماند:

«در آرزو افکنم ایشانرا.» نساء / ۱۱۹

«چرا کافر می شوید بآیتها خداى.» آل عمران / ۷۰

- و زمانی نیز این مدّ حذف می شود:^۱

«میرود از زیر آن جویهء آب همیشه باشند در آنجا همیشه.» نساء / ۱۲۲

«بدرستی آمد بشما از خدای روشنائی و قران پیدا.» مائده / ۱۵

- همزه فعل ربطی «است» گاهی اوقات می افتد و فعل ربطی به کلمه قبل متصل می شود:

۱. در متن مصحح، به منظور سهولت خواندن، همه جا، این مدّ آورده شده است.

«هر آینه لوط هر آینه از فرستادگانست.» صافات / ۱۳۳
 «بیفکن عصات را پس چون دیدش می جنبید گویی که وی ماریست.» قصص / ۳۱
 «خدای آن خدایست کی بیافرید آسمانها و زمین.» ابراهیم / ۳۲
 - زمانی همزه «است» بدون آنکه اتصالی صورت گیرد از کلام ساقط می شود. چون
 فتحه روی حرف آخر کلمه ماقبل «است» ظاهر می شود، همزه وصل در «است»، در
 تلفظ و کتابت، هردو، می افتد:

«دوست شما و یار شما خدایست.» مائده / ۵۵
 «بترسند از خدای خود از زیر ایشانست.» نحل / ۵۰
 «جویه‌هاست از می‌بامزه مر آشامندگان را.» محمد / ۱۵
 - گاهی این همزه در «است» باقی می ماند:

«خدای داناست بدانچ در دل‌ه‌هاست شماست.» آل عمران / ۱۱۹
 «و اگر عجب داری عجب است گفتار ایشان.» رعد / ۵
 - همزه‌های ضمائر «او» و «ایشان» در اتصال به حروف دیگر، گاهی حذف می شود یا
 به اصل باز می‌گردد یا بنا به قولی تبدیل به حرف میانجی می شود:

«... هرکی نه تواند پس پرویست روزه داشتن دو ماه پیوسته.» نساء / ۹۲
 «یا ببرند بدو زمین را یا سخن گویند بدو با مردگان.» رعد / ۳۱
 «اگر بیاید بدیشان کالا همچنان دیگر بستانند.» اعراف / ۱۶۹
 * «ب»: حرف باء نیز موارد اتصال و انفصال و حذف و اثبات متعددی دارد:

- در افعال، همه جا، به صورت وصل می آید:
 «یار من خدایست آنک بفرستاد قرآنرا...» اعراف / ۱۹۶
 «بگیر عفو کن و بفرمای بمعروف کردن [و] روی بگردان از نادانان.» اعراف / ۱۹۹
 - گاهی این باء از آغاز فعل ساقط می شود:

«... مر آنکسانرا کی پرهیزند و بدهند زکوة را.» اعراف / ۱۵۶
 «هر آینه برم هر آینه دست‌ه‌اتان و پایه‌هاست شما را.» شعراء / ۴۹

- در اتصال باء به افعالی که با مصوّت بلند «ای» آغاز می‌شوند همزه ابتدای فعل

اغلب حذف می‌شود:

«بیستید مر خدایرا فرمان بردار و خاموش.» بقره / ۲۳۸

«گفت خدای اجابت کردند دعاء شما پس بیستید برکار.» یونس / ۸۹

و به ندرت می‌ماند: «و کی بایستید بنگاه داشت مال یتیمان بداد.» نساء / ۱۲۷

- حرف اضافه «به» در بیشتر موارد به اسم بعد از خود متصل می‌شود:

«بسازد دروغ آنانیک نگروند بعلاّمتهای.» نحل / ۱۰۵

«نه رسی بگوهها بدرازی.» اسراء / ۳۷

- گاهی این حرف به صورت منفصل از اسم می‌آید:

«بخوان به خداوند خود و مه باش هر آینه از انبازگویان.» قصص / ۸۷

«باز گردیت به خدای همه ای گرویدگان.» نور / ۳۱

اغلب این «به» منفصل در ترجمه «الی» آمده است.

* «پ»: حرف «پ» در کل این ترجمه جز در هفت مورد به صورت «ب» آمده

است.^۱

پنج بار از این هفت بار در کلمه «پاکا» معادل «سبحان» است:

«آنانی کی دروغ زن داشتند قرآن محمد را بگیریم ایشانرا پاره پاره از آنجا کی نه

دانند.» اعراف / ۱۸۲

«پاکا خداوند آسمانها و زمین خداوند تخت بزرگ.» زخرف / ۸۲

«پس روی کردند کامهء دل شانرا.» محمد / ۱۴

* «ت»: این حرف گاهی اوقات به صورت «ة» به کار می‌رود؛ بی آنکه قاعده‌ای

خاص در این کاربرد رعایت شده باشد.^۲

«گفتند بعزة فرعون هر آینه ما چیرگانیم.» شعراء / ۴۴

۱. در متن مصحح، به منظور سهولت خواندن، همه جا، به صورت «پ» آورده شده است.

۲. معمولاً در کتابت فارسی، «ت» اگر به صورت هاء بیان حرکت تلفظ شود به شکل «ه» و در غیر این صورت به شکل «ت» نوشته می‌شود.

«می‌گویند آنانک گرویدند چرا نه فرو فرستاده شد سوره.» محمد / ۲۰

※ «حج»: این حرف در همه این ترجمه به صورت «حج» به کار رفته است:^۱

«بیرون آمد از وی ترسان چشم می‌داشت... و چون روی نهاد سوی دبه شعیب...»

قصص / ۲۱ و ۲۲

«هر آینه ما چون جشانیم آدمی را از ما بخشایشی شاد شوند بوی.» شوری / ۴۸

※ «د» و «ذ»: در برخی موارد، بدون رعایت قاعده، این دو حرف به جای هم

می‌آیند:^۲

«ایشان نافرمانی کردند و ایشان از حد بگدشتند.» مائده / ۷۸

«اگر فرودگدارد شما را پس کیست آنک یاری دهد شما را.» آل عمران / ۱۶۰

«مر مردانرا باشد بخشی از آنچه رها کردند مادر و پدر و خویشاوندان و مر زنانرا

بخشی بدانچ رها کردند مادر و پدر و خویشاوندان.» نساء / ۷

※ «ژ»: همه جا به همین صورت دیده می‌شود:

«پیراهنهای ایشان باشد از قطران دوزخ.» ابراهیم / ۵۰

در متون دیگر، اغلب کلمه «دوزخ» با «ز» کتابت شده است.

«ای پیغامبر هر آینه ما فرستادیم ترا گواه و مؤده دهنده و بیم کننده.» احزاب / ۴۵

※ «س»: گاهی اوقات زیر حرف سین علامتی شبیه به سه نقطه (C) دیده می‌شود.

این علامت در حرف شین در بالا و به جای سه نقطه گذاشته شده است:

«نیست حکم مگر خدایرا بفرمود کی [مه] پرستید مگر او را.» یوسف / ۴۰

«جز که بیشتر مردمان سپاس داری نکنند.» یوسف / ۳۸

«پس افسوس کنند از ایشان.» توبه / ۷۹

۱. در متن مصحح، به منظور سهولت خواندن، همه جا، به صورت «حج» آورده شده است.

۲. قاعده دال و ذال را خواهی نصیر در این دو بیت بیان کرده است:

آنانکه به پارسی سخن می‌رانند در معرض دال، ذال را نشانند

ما قبل وی از ساکن و جز وی بود دال است و گرنه ذال معجم خوانند

در متن مصحح، به منظور سهولت خواندن، همه جا رسم الخط امروزی «ذال» رعایت شده است.

※ «گ»: در این ترجمه همیشه به صورت «ک» می‌آید:^۱

«بیرون مشوید اندر کرما بکو کرما دوزخ سخت ترست کرم اگر ایشان بدانندی.»

توبه / ۸۱

«نیست خواندن کافران مکر در کمراهی.» رعد / ۱۴

※ «ی»: در بیشتر موازد با دو نقطه در زیر می‌آید و گاهی نیز این دو نقطه حذف

می‌شود. البته در این شیوه کتابت «ی» هیچگونه قاعده‌ای رعایت نشده است:^۲

«و بدرستی و راستی در آوردیم داؤد را از ما افزونی، ای کوهها همه روز رویت یا

تسبیح گویت با وی و ای مرغان و نرم کردیم از بهر وی آهن را.» سبأ / ۱۰

«و پس روی کن آنچه را کی پیغام داده شود بتو.» احزاب / ۲

- اگر به کلماتی که مختوم به مصوت‌های بلند «ا» و «او» هستند انواع یاء‌های شناسه

فعلی، مصدری، وحده و نکره،... متصل شود، یاء میانجی بین آنها به صورت «ئی» نوشته

می‌شود:

«و گفت موسی ای پروردگار ما کی تویی بدادی فرعون را و قوم او را.» یونس / ۸۸

«پس فروشیت شان اگر دانستیت در ایشان نیکوئی.» نور / ۳۳

«فرستادیم بر ایشان بادی و لشکرهایی کی نه دیدیت شان.» احزاب / ۹

- این حرف میانجی به ندرت به صورت «ای» به کار می‌رود:

«گفتند خوابها ایست شوریده.» یوسف / ۴۴

※ کلمات «که» و «چه» به صورت‌های «کی»، «که»، «ک»، «جه» و «ج» نوشته شده است:

«نه بود ما را کی شرک آریم بخدای هیچ چیز.» یوسف / ۳۸

«برهانیدیم آنانرا که باز می‌بودند از بدی و بگرفتیم آنانرا که بگرفتند ماهیان روز

شنبه.» اعراف / ۱۶۵

«و آنانک با وی‌اند بدانک هر آینه فال بد ایشان نزد خدایست و جز آنک بیشتر ایشان

نه دانند.» اعراف / ۱۳۱

۱. در متن مصحح، به منظور سهولت خواندن، همه جا رسم‌الخط امروزی رعایت شده است.

۲. در برخی متون خطی و چاپی، اگر «ی» به صورت «ای» تلفظ شود در کتابت به «ی» و در غیر این صورت به صورت «ی» نوشته شده است.

«نه چه بیشتر ایشان نه دانند.» لقمان / ۲۵
«اگرچ بودند پیش از آن در بی راهی پیدا.» آل عمران / ۱۶۴
* اجزاء کلمات مرکب از دو اسم، اسم و صفت، اسم و فعل،... گاهی منفصل نوشته می شود:

- «و نیست مرستم کاران را هیچ یاری.» مائده / ۷۲
«نه بودند پیش دستی کنندگان.» عنکبوت / ۳۹
«مگر ما پس روی کنیم جادوانرا.» شعراء / ۴۰
- و زمانی این اجزاء به صورت متصل می آید:
«پس ایشانند ایشان ستمکاران.» مائده / ۴۵
«هر آینه گمراه شوم بر تن خود.» سبأ / ۵۰
«پس پسروی کردندش مگر گروهی از گرویدگان.» سبأ / ۲۰
«می گرداند بر ایشان سائنها آن باوندهاء از سیم و آبدستهای بیگوشه.» دهر / ۱۵
- گاهی حتی مضاف و مضاف الیه نیز متصل می شوند:
«بدرستی کی بفرستادیم ما سویتو پیغامبری گواه بر شما.» مزمل / ۱۵
«زی خدایتو باز گرانیده شود کارها همه.» هود / ۱۲۳
- گاهی نیز صفت و موصوف متصل نوشته می شوند:
«پس برساند آنرا بر آنکس کی خواهد.» رعد / ۱۳
«چنانکسان پیش از شما بودند سخت تر از شما بنیرو.» توبه / ۶۹
- در افعال مرکب نیز، گاهی اجزاء متصل می شوند:
«نیستید بر هیچ چیز تا بر پایدارید توریت و انجیل.» مائده / ۶۸
* پیشوند «هم» در کلمات پیشوندی، از کلمه پس از خود منفصل و جدا می شود:
«هرگز نه باشم هم پشت و یاری گر مرگناه کارانرا.» قصص / ۱۷
«نه دور شود از وی هم سنگ مورچه خوردی.» سبأ / ۳
* کلمه مرکب از «بی» و اسم به حالت منفصل آمده است:

«اگر پس روی کنم بی‌ره شده باشم.» انعام / ۵۶

«آنانیک بخورند مال‌هائ یتیمان به بی‌دادی کی بخورند اندر شکمه‌ه‌ه خود آتش.»

نساء / ۱۰

- گاهی نیز به صورت متصل دیده می‌شود:

«و بیرون آورده شود آتش بزرگ مر پیراهانرا...» شعراء / ۹۱

- گاهی به هر دو صورت متصل و منفصل در یک عبارت آمده است:

«میخواهید کی بیابید [آنرا] کی بپراه کند خدای و هرکی [را] بی‌راه کند خدای پس

هرگز نیابی او را هیچ حجتی و راهی.» نساء / ۸۸

* در کلمات پسوندی نیز گاهی انفصال دیده می‌شود:

«بسندہ است خدای کاربان و نگاه‌بان.» احزاب / ۴۸

«نه یابند دوستی و نه یاری‌گری.» احزاب / ۶۵

«هر آینه ایشان ما را خشم ناک کنندگانند.» شعراء / ۵۵

- و زمانی نیز پسوند به کلمه متصل می‌شود:

«هرکی کفر آرد پس مه اندوه‌گین کند ترا ناگرویدن وی.» لقمان / ۲۳

«بامداد کردن وی یک ماهه راه بود و شبانگاه رفتن وی یکماهه دیگر.» سبأ / ۱۲

* پسوند «تر» صفت تفضیلی‌ساز به صورت منفصل می‌آید:

«این نبشتن عدل و راست ترست نزدیک خدای و صواب ترست گواهی.»

بقره / ۲۸۲

«آن نزدیک ترست کی ستم نکنید.» نساء / ۳

- و به ندرت متصل نوشته می‌شود:

«نزدیک‌ترست کی مگر شک نکنید.» بقره / ۲۸۲

* جزء فعلی «می» هم به صورت اتصال و هم به صورت انفصال می‌آید:

«بدست آنچه ایشان می‌کردند.» مائده / ۷۹

«آنست نشانی‌ه‌ه خدای کی میخوانیم بر تو براستی.» آل عمران / ۱۰۸

- گاهی به هر دو صورت متصل و منفصل در یک جمله می‌آید:

«حقا که، کی خدای میداند آنچه پنهان می‌کنند.» نحل / ۲۳

* اجزاء موصولها هم به صورت وصل و هم به صورت فصل دیده می‌شود:

«پاک کنم ترا از آنکسانک کافر شدند.» آل عمران / ۵۵

«گو کارزار کن در راه خدای با آنکسانیک بخورند زندگانی.» نساء / ۷۴

«آنانیک بکردند بدیهاء پس توبه کردند...» اعراف / ۱۵۳

«پنداشتند آنانک ورزیدند بدیها را که کنیم شان همچو آنانک گرویدند و کردند

کارهء نیک.» جاثیه / ۲۱

«آنکسانی کی بمیرانند ایشانرا فریشتگان...» نحل / ۲۸

«او نه دیدی زی آنانی کی بدل کردند نعمت خدایرا بناسپاسی کردن.» ابراهیم / ۲۸

* پیشوند نفی و نهی در بیشتر موارد منفصل از فعل می‌آید:

«نه خواست خدای کی پاک کند دلهاء ایشان.» مائده / ۴۱

«نه باشی اندر کاری و نه خوانی از آن از قرآن و نه کنید هیچ کاری نه کی باشیم ور

شما گواهان.» یونس / ۶۱

«مه باشیت از کم دهندگان.» شعراء / ۱۸۱

- اما گاهی به صورت متصل نیز می‌آید:

«نباشد شما را [هیچ] کشتنی.» ابراهیم / ۴۴

«مگویید مر آنرا کی پدید کند زبانها شما بدروغ این حلالست و روا.» نحل / ۱۱۶

- گاهی به هر دو صورت متصل و منفصل با هم آمده است:

«و نه کشتند او را و بردار نکردند او را.» نساء / ۱۵۷

«مه ترس و اندوه مخور.» عنکبوت / ۳۳

- گاهی بین این پیشوندها با فعل فاصله می‌افتد:

«پس مه فرمان بر مر ایشانرا.» عنکبوت / ۸

«مه بستم داریت کنیزکان تانرا.» نور / ۳۳

- گاهی پیشوند نفی تکرار می شود. در این صورت هم منفصل و هم متصل، هر دو، می آید. در این مورد احتمال اشتباه را نیز نباید از نظر دور داشت:

«پس نه بحق خدای تو نه گروند.» نساء / ۶۵

«یا بیم کردی ایشان یا بیم نکردی ایشان نه نگروند.» یس / ۱۰

* ضمایر شخصی متصل غالباً از کلمه پیش از خود، اعم از اسم یا فعل جدا نوشته می شود:

«نه می نمودیم شان هیچ نشانی مگر وی بزرگتر بود از مانند وی و گرفتیم شان بشکنجه.» زخرف / ۴۸

«بگذار ایشانرا اندر گمراهی شان سرگردان.» اعراف / ۱۸۶

«او ناگرویدگان تان بهترند از این گروه تان یا مر شما راست بیزاری در کتابها.» قمر / ۴۳.

- گاهی نیز این ضمایر متصل می گردد:

«پس [بیرون] آوردیمشان از بوستانها و چشمها.» شعرا / ۵۷

«ای مردمان هر آینه [ما] آفریدیمتان از نری و ماده.» حجرات / ۱۳

* هاء بیان حرکت از پایان کلمه ای که با هاء جمع، جمع بسته شده است حذف می شود:

«بدهید یتیمانرا خواستهای ایشان.» نساء / ۲

«ما قصه می گوئیم بر تو نیکوترین قصهها.» یوسف / ۳

- هاء بیان حرکت در چنین حالتی به ندرت تبدیل به «یاء» می شود:

«ایشان و جفتان ایشان در سائیها باشند.» یس / ۵۶

«و نزدیک شود بر ایشان سائیهای آن.» دهر / ۱۴

- گاهی همین هاء بیان حرکت بدون اضافه شدن کلمه، حذف می شود:

«مژده دهند» به جای «مژده دهند»: «نیستم من مگر بیم کننده و مژده دهند.»

«پیدا کنند» به جای «پیدا کننده»: «بحق نامه پیدا کنند.» زخرف / ۲

«بند» به جای «بنده»: «از بهر بینا کردن و پند دادن مر هر بند باز گردنده را.» ق / ۸
* هاء علامت جمع گاهی در کتابت، با اسم مختوم به غیره‌اء بیان حرکت، متصل می‌آید:

«بگذشت از پیش ایشان عقوبتها.» رعد / ۶

«گواهی دهد بر شما گوشه‌اء شما و نه بینائیه‌اء تان و نه پوسته‌اء شما.» فصلت / ۲۲
- و گاه به صورت منفصل مکتوب می‌گردد:

«پس بشوید روی‌ه‌اء خود را...» مائده / ۶

«پس از آنها بر نشستنی ایشانست و از این‌ها خورند.» یس / ۷۲
* در اتصال «ان» جمع به کلمه مختوم به مصوت بلند «اُ» اغلب حرف میانجی به کار نمی‌رود:

«می‌پرسند ترا چنانستی کی دانا ان بدان.» اعراف / ۱۸۷

«مگوئید خدایرا همتا آن.» نحل / ۷۴

- اما گاهی نیز حرف میانجی می‌آید:

«نه بودیم مر او را توانایان.» زخرف / ۱۳

* شناسه‌های فعلی «ام، ایم، ایت، اند» بدون حذف یا تبدیل همزه، همراه کلمه قبل از خود می‌آیند:

«گفت خدای کی من با شما ام.» مائده / ۱۲؛ نیز: شما اند (مائده / ۵۳)

«ما ایم میراث گیرندگان.» حجر / ۲۳؛ نیز: بی‌گمانان ایم (سجده / ۱۲)

«نه چه شما گروهی ایت آزموده کرده شویت.» نمل / ۴۷؛ نیز: گردانیدگان ایت (شعراء / ۴۲)

«خداوندانی پراکنده بهتراند یا آنک خدای یکی است قهرکننده.» یوسف / ۳۹؛ نیز:

چهارپایان اند (اعراف / ۱۷۹) و: وی اند (نمل / ۸۷)

- اما گاهی همزه در «اید» به صورتهای «ید»، «ئد» یا «ئد» نوشته می‌شود:

«بدهید ایشانرا ازو [و] بگوئید ایشانرا سخنی خوش.» نساء / ۸

«و شکر گوئید نعمت خدایرا.» نحل / ۱۱۴

«و بیازمائید یتیمانرا تا چون برسند بحد بلاغت...» نساء / ۶

* گاه حرفی بی آنکه مشدد باشد با تشدید مکتوب می‌گردد. شاید این، مربوط به خاصیت آوایی زبان فارسی و تلفظ همراه با شدت بعضی از حروف نظیر پ، ر، ش، ل،... باشد:

«هر آینه پرکنم هر آینه دوزخ را از پریان و آدمیان.» سجده / ۱۳

«چون گردانیدیم سوی تو گروهی از پریانرا، می‌شنوند نبی را.» احقاف / ۲۹

* علامت مفعول بیواسطه «را»، در بسیاری موارد به کلمه پیش از خود وصل می‌شود:

«شماگردن نهاده باشید فرمان خدایرا.» آل عمران / ۱۰۲

«بی‌ره کند خدای کافرانرا.» ابراهیم / ۲۷؛ نیز گناه کارانرا (قصص / ۱۷)

- اما گاهی نیز جدا می‌آید:

«باز بآب فرو بردیم دیگران را.» صافات / ۸۲

«هر آینه در آریم هر آینه ایشان را در نیکان.» عنکبوت / ۹

* در کتابت بعضی کلمات، رسم النخطی خاص رعایت شده است. این شیوه کتابت، در برخی متون کهن دیده می‌شود؛ اما امروزه متداول نیست:

«ای اهل توریت چرا کافر می‌شوید؟» آل عمران / ۷۰

«مگر کی دستوری داده شود مر شما را سوی خردنی.» احزاب / ۵۳

«نه دور شود از وی هم سنگ مورچه خوردي.» سبأ / ۳

«و بدادیم داؤد را زبور.» نساء / ۱۶۳

«ببرد برکت ربوا را خدای.» بقره / ۲۷۶

کلمات «توریت، خردنی، خورد، داؤد، ربوا» امروزه به صورت «تورات، خوردنی، خرد، داود یا داوود، ربا» نوشته می‌گردد.

* ادغام: ادغام از ویژگیهای زبان عربی است؛ اما گاهی در کلمات مرکب فارسی نیز دیده می شود و آن هنگامی است که دو حرف همجنس یا قریب المنخرج در کنار یکدیگر قرار گیرند که در آن صورت در هم ادغام می شوند. در مورد حروف قریب المنخرج پیش از ادغام، تبدیل صورت می گیرد.

«بل کی آن بترست ایشانرا.» آل عمران / ۱۸۰

«بیایي اي محمد سخترين مردمان بدشمنایي.» مائده / ۸۲

* ابدال: در این ترجمه بعضی حروف به حروف دیگر تبدیل شده اند:

«ب» به «و»: «یا که ملک شود ورگوش و برچشمها.» یونس / ۳۱

«یاد کنید نعمت خدایرا بر شما و پیمانی را کی و شما کرده است.» مائده / ۷

«و» به «ب»: «از کجا زنده کند خدای این دیه را خدای پس از بیرانی و مرگ ایشان.»

بقره / ۲۵۹

«اگر باشید بر سفر و نه یابید نیسنده...» بقره / ۲۸۳

«و بکرد شما [را] از زنان شما پسران و نیکان.» نحل / ۷۲

«د» به «ت»: «... مه ترسیت و نه اندوه خوریت و شاد شویت بهشت آنک می نوید

داده می شدیت.» فصلت / ۳۰

«ژ» به «ش»: «هرکی عمر دهیمش باشگونه کنیمش در آفرینش.» یس / ۶۸

«ز» به «ژ»: «هر آینه پرکنم هر آینه دوزخ را از پریان و آدمیان.» سجده / ۱۳

«ه» به «خ»: «همیدون ندهند مردمانرا مقدار خسته خرما.» نساء / ۵۳

خصوصیات دستوری^۱

نکات و ویژگیهای خاص و نادر دستوری این ترجمه، یکی از مشخصه های ممتاز آن است. این خصوصیات که برخی از آنها خاص این ترجمه است و در بعضی با دیگر متون فارسی، مشترک است بدین شرحند:

۱. آنچه در این بخش آمده تنها ویژگیهای بارز و تا حدودی نادر و استثنایی ترجمه است. برای جلوگیری از اطاله کلام از ذکر همه آنها خودداری شد.